

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

سید هاشم سدید
۱۶ سپتمبر ۲۰۱۵

آقای "هاشمیان"، از شرم آب شده و در زمین فرو رفته!

نوشته های بعضی از انسان های حق نگر به جواب اتهامات کاملاً بی بنیاد و کودکانه آقای "هاشمیان"، که عنوانی آقای "معروفی" نوشته بودند و دور از شیوه برخورد یک انسان فرهیخته و دانشمند و محقق و اکادمیک، که نوشته های شان بر مبنای کاوش ها و تحقیقات و یافته های مستند و مدلل و علمی و مسؤولانه تحریر می یابند، انسانی که او خود را با اصرار و ابرام یکی از آن ها می خواند، به خصوص بعد از نوشته های خود آقای "معروفی" که با ارائه اسناد غیر قابل انکار، با احتمال زیاد، فکر می کردیم که (امید آقای آزاد ل. باز هم مرا زیر انتقاد نگیرند که آب شدن که در این جا معنی عرق کردن از شرم را دارد، و در کنار عوامل دیگر مثل بیماری و هوای زیاد گرم و... از وجود پدیده ای با نام شرم در انسان پیدا می شود و چون آقای "هاشمیان" چیزی را به نام شرم و حیاء نمی شناسد، پس عرق کردن او هم غیر محتمل است - که این بار هم ایشان از جهتی حق به جانب اند.) که چنان اثری بر او گذاشته است که اصلاً صدائی از او در نمی آید؛ و مطابق به ضرب المثل مشهور "از شرم آب شده و در زمین فرو رفته است."

اما به عنایت خدای جش و کرامات اولیاء و از همه بالاتر کرامات خود این انسان به جایی رسیده، طوری که از تدویر محل اعطای جوایز "استاد ادب دری" و "آگاه ادب دری" شنیدیم و واقعاً مسرت دست داد، ایشان هنوز هم زنده و سر حال هستند و هنوز زور زمین به ایشان نرسیده است که او را، با همه عرق کردن ها که آب وجود انسان را خشک می کند و سبب مرگ انسان می شود، در خود فرو ببرد و ایشان کماکان رستم وار، یکی بعد از دیگری از هفت خوان می گذرند.

عمر شان دراز باد؛ تا با این همه شوری و گاهی بی نمکی زیاد، سوژه هائی برای نوشته ها باشند و قافیه نوشته های منثور و منظوم نویسنده های مثل ما و برخی از شعراء را با نبود شان پنبه نکنند.

از شوخی که بگذریم، راستی چرا آقای "هاشمیان" از ارائه جواب مستند و معقول و مدلل و مسؤولانه، مانند یک فرهیخته، یک اکادمیکر، یک استاد، یک دانشمند، یک عالم و یک پژوهشگر به آقای "معروفی"، و برای قناعت خاطر کسانی که جواب آقای "معروفی" را برای آقای "هاشمیان"، من حیث یک آدم تهمتگر بازاری، مستند و مستدل تلقی می کنند، نمی پردازند و از خود و تئوری های دروغ بافانه و شرم آور خود که بافته و ساخته ذهن بیمار شان هستند، دفاع نمی نمایند؟ علت چیست؟؟ چه چیزی ایشان را از این کار باز می دارد؟ چرا لال شده اند؟

مگر این حق را آقای "معروفی" یا آنانی که این گونه اتهامات را برای وارد کننده شرم آور می دانند و یا خوانندگان نوشته های آقای "هاشمیان"، ندارند که از آقای "هاشمیان" بخواهند تا به آقای "معروفی" و برای رفع ابهام، توضیح حقیقت و خرسندی و رضامندی خوانندگان خویش، در چند سطر هم اگر شده، جوابی ارائه کنند؟

یا اینست که ما چنین بپنداریم که ایشان خود را، بلاتشبییه خداگونه، یا مانند محمد ظاهرخان، شاه سابق و متوفای افغانستان بخت برگشته، بالاتر از هرگونه مسؤولیت و سؤال و جواب در برابر بندگان، و در برابر رعایا می دانند؟! اگر چنین نیست و ایشان خود را با نوشته های خویش در برابر پرسش خوانندگان شان از نظر وظیفه مسؤول می دانند، باید جوابی برای این اتهام بستن های بسیار ناشائسته و بیجای و تیهکارانه شان ارائه کنند.

رسم در مطبوعات همین است: یا جواب و فراهم کردن قناعت طرف مقابل و خوانندگان، یا معذرت و یا فرار و سکوت ابدی! غیر از این، بر خورد با منتقدین یا خوانندگانی که طلب پاسخ دارند، همان است که گفته شود: شما خود را در برابر مردم و در برابر وجدان قلم قطعاً مسؤول احساس نمی کنید. یا از زور برابر با زور موجودات مقدس و آسمانی، و یا از قدرت یک دیکتاتور خودسر و خودرأی و لجوج و مطلق العنان کاری گیرید. بندگان شما خدای کاذب زمینی هم، مانند شما پوست پشک را به رو های شان کشیده و در برابر اعمال ناروا و در برابر این اتهام ردیلا نه شما سکوت مرگ اختیار می کنند و خود را در این کار و در این گناه شرم آور با شما شریک می سازند!! و برای این کار تان که خلاف اصول پذیرفته شده مطبوعاتی است، کف های گرم و پایان ناپذیر، و توأم با هلهله و داد و بیداد و واه استاد می زنند!!

آخرین سخن، پیام یک دوست به شما است، که دیروز گفت: «آقای هاشمیان یک جو از غیرت کم کرده است و حال فارغ از هر قید و بند اجتماعی - انسانی زندگی می کند. در برابر هر سخن "معافیت" پیدا کرده است، همانطور که کسی در برابر دارو معافیت پیدا می کند، بهتر است شما کوتاه بیایید!»

باور کنید که نمی خواستم پیام این دوست ریزبین و سنجیده را که بهترین چشم برای شناخت انسان ها دارد، به شما برسانم، اما چون قسم سنگینی داده است، مجبور آن را نوشتم! حال این دوست می داند و "دیندینگ" آخرتش که واقعاً شما جوئی از غیرت کم کرده اید، یا نه؟!

۲۰۱۵/۰۹/۱۵